

بازار نابازار

بولتن تحلیلی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
شماره دوم - اول اسفند ۱۴۰۱



چوب «ارز» لای چرخ تولید و تجارت

احمد تشکینی
هیات علمی موسسه

پیامدهای سیاست ارزی
بر تولید و تجارت ایران

منصور عسگری
هیات علمی موسسه

نرخ ارز و قیمت کالاها
در بورس کالای ایران

حسن ولی بیگی
هیات علمی موسسه

فرجام مداخله دولت در بازار ارز

خلیل حیدری
هیات علمی موسسه

آثار رفاهی تغییر نرخ ارز ترجیحی
بر رفاه خانوارها

سعیده هوشمند
هیات علمی موسسه

آسیب پذیری بنگاه ها
از نوسانات ارزی

امیر رضا سوری
هیات علمی موسسه

پیشنهادی برای
میرایی شوک تورمی پایان سال

سمیه نعمت الهی
هیات علمی موسسه

نرخ ارز از چه مسیری
قیمت ها را متاثر می کند؟

نشریه دیجیتال «بازار نابازار» شامل تازه ترین دیدگاه ها و گزارش های تحلیلی پژوهشگران و کارشناسان موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در موضوعات تخصصی و روز کشور است و لزوما دیدگاه رسمی و سازمانی این موسسه به حساب نمی آید.



موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
اداره روابط عمومی و امور بین الملل
۶۶۹۲۷۲۳۶ - ۶۶۹۲۷۲۳۶
WWW.ITSR.IR



پیامدهای سیاست ارزی بر تولید و تجارت اقتصاد ایران



دکتر احمد تشکینی، دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

نرخ ارز مهمترین مفصل ارتباط اقتصادی یک کشور با کشورهای جهان است. همچنین تغییرات نرخ ارز تأثیرات گسترده ای بر بخش داخلی و خارجی اقتصادها به همراه دارد؛ چون از یکسو بر صادرات و واردات (و به تبع آن تراز تجاری) و از سوی دیگر بر قدرت رقابت پذیری داخلی (و به تبع آن بر تولید و اشتغال) و همچنین تورم داخلی تأثیرگذار است. براین اساس مدیریت بازار ارز یکی از موضوعات کلیدی هر اقتصادی محسوب می شود، با این حال رویکرد واحدی در تعیین نرخ ارز وجود ندارد و کشورها بسته به ساختار و شرایط اقتصادی (در چارچوب نظام های ارزی متفاوت)، رویکردهایی نظیر تعادل تراز پرداختها (تقویت صادرات و کنترل واردات)، برابری قدرت خرید برای تقویت توان تولید داخلی، کنترل تورم و تعادل بخشی به بودجه و ... را در تعیین نرخ ارز بکار می گیرند.

اهمیت مدیریت بازار ارز برای اقتصاد ایران از جنبه های مختلفی دارای اهمیت مضاعف است. از جمله آنکه اقتصاد ایران طی سال های آتی و در افق بلندمدت ناگزیر باید به اقتصادی باز و رقابتی تبدیل شود تا از این طریق زمینه های متنوع شدن فعالیت های اقتصادی، افزایش تولید، رشد صادرات انبوه کالاها و خدمات غیرنفتی را از طریق هم پیوندی با بازارهای جهانی و بهره مند شدن از جریان های تجارت و مبادلات سرمایه ای بین الملل برای کشور فراهم کند.

۱) سیر تاریخی نظام ارزی کشور و ویژگی های آن

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نظام ارزی کشور میخکوب شدید (ثابت) بود، ضمن آنکه کنترل و نظارت دولتی و سهمیه بندی ارزی در خصوص تعیین اولویت ها برای مصارف ارزی صورت می گرفت (اگرچه در سال ۱۳۵۳ با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، سهمیه بندی ارزی حذف گردید).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نظام ارزی کشور همچنان نظام ارز ثابت بود، ضمن آنکه با پایان جنگ تحمیلی، نرخ های ترجیحی ارز در قالب سه نرخ ارز رسمی (برای واردات کالاهای اساسی)، رقابتی (برای واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای) و شناور (برای مابقی معاملات) مورد استفاده قرار گرفت. به دنبال چالش های نظام چندنرخه ای از ابتدای ۱۳۷۲ با اتخاذ سیاست یکسان سازی نرخ ارز، نظام ارزی شناور مدیریت شده دنبال شد. اگرچه عواملی مانند افزایش حجم گشایش های اعتبارات اسنادی سررسید شده، بروز بحران بدهی های خارجی و ... مانع از استمرار و استقرار این نظام ارزی جدید شد.

در نتیجه دولت از نیمه دوم سال ۱۳۷۳ از سیاست مبتنی بر نظام شناور ارز صرف نظر کرد و سیاست جدیدی براساس تثبیت ارزش ریال و تعدیل آن برحسب ضرورت در پیش گرفت و کنترل های ارزی شدیدی نیز اعمال شد. در سال ۱۳۷۴ حساب سرمایه مجدداً بسته و بازار ارز آزاد غیرقانونی اعلام شد.

با بهبود نسبی وضعیت درآمدهای نفتی در سال های پایانی برنامه دوم توسعه دوباره موضوع یکسان سازی نرخ ارز در دستور کار قرار گرفت. از این رو در قانون بودجه سال ۱۳۸۰ مقرر شد که بودجه سال ۱۳۸۱ با اعمال سیاست تکنرخی ارز تنظیم شود.

از ابتدای برنامه سوم توسعه، ثبات نرخ ارز برای امکان برنامه ریزی فعالان اقتصادی مورد تأکید قرار گرفت و لذا دولت توانست نوسانات نرخ ارز را به حداقل برساند. در برنامه چهارم توسعه نیز بر کنترل نوسانات شدید نرخ ارز و تداوم سیاست یکسان سازی آن تأکید شده و نظام ارزی کشور به طور رسمی نظام شناور مدیریت شده اعلام شد (لذا نرخ ارز باید با توجه به سازوکار عرضه و تقاضا و ملاحظات حفظ توان رقابت بنگاه های صادر کننده تعیین شود). در برنامه پنجم توسعه نیز نظام ارزی کشور شناور مدیریت شده معرفی شد؛ بگونه ای که نرخ ارز می بایست با توجه به حفظ دامنه رقابت پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی تعیین گردد. گفتنی است از ابتدای مهرماه به دلایلی نظیر تشدید تحریم های خارجی و بروز محدودیت های ارزی، به اولویت بندی منابع ارزی کشور اقدام شد.

براساس آنچه عنوان شد برخی ویژگی های اصلی نظام ارزی اقتصاد ایران طی دوره مورد بررسی به شرح زیر بوده است:

- * عدم تعدیل نرخ ارز اسمی متناسب با تفاضل تورم داخلی و خارجی
- * تعیین نرخ ارز براساس ملاحظات بودجه ای (و نه ملاحظات تجارت خارجی)
- * چرخش از نظام میخکوب خزنده (ثابت) به نظام ارز شناور مدیریت شده و تفاوت بین سیاست ارزی اعلامی و اعمالی
- * تجربه نظام ارزی چند نرخ تحت بروز محدودیت های شدید ارزی
- * حرکت به سمت یکسان سازی نرخ ارز پس از تجربه نظام ارزی چندنرخه
- * جهش های شدید نرخ ارز در مقاطع حدود ۱۰ سال یکبار

۲) پیامدهای نظام ارزی اقتصاد ایران (با تأکید بر تولید و تجارت)

کاهش نرخ ارز حقیقی، قیمت کالاها و خدمات صادراتی تولیدکنندگان داخلی را نسبت به قیمت های جهانی افزایش داده و در نتیجه قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در بازارهای جهانی را می کاهد و لذا منجر به کاهش صادرات کشور خواهد شد. همچنین کاهش نرخ ارز حقیقی، قیمت کالاها و خدمات وارداتی را کاهش داده و در نتیجه منجر به افزایش واردات می شود. در مجموع کاهش نرخ ارز حقیقی از طریق کاهش صادرات و افزایش واردات، تأثیر منفی بر تراز تجاری کشور می گذارد (و بالعکس).

ارتباط معکوسی بین رشد نرخ ارز حقیقی با متغیرهای رشد واردات و رشد تراز تجاری غیرنفتی وجود دارد. ضریب همبستگی بین رشد نرخ ارز حقیقی و رشد واردات -۰.۶ و بین رشد نرخ ارز حقیقی و رشد تراز تجاری غیرنفتی -۰.۷ درصد می باشد. این بدان مفهوم است که طی دوره موردنظر تثبیت نرخ ارز اسمی و کاهش نرخ ارز حقیقی منجر افزایش واردات و کاهش تراز تجاری غیرنفتی کشور شده است. شایان ذکر است به دلیل کشش پذیری پایین صادرات نسبت به نرخ ارز، ارتباط ضعیفی بین صادرات و نرخ ارز حقیقی در اقتصاد ایران برقرار است.

نرخ ارز حقیقی از دو مسیر بر تولید و اشتغال تأثیرگذار است: مسیر اول میزان استفاده از ظرفیت تولیدی موجود و مسیر دوم میزان سرمایه گذاری و ایجاد ظرفیت تولیدی جدید می باشد. گفتنی است کاهش نرخ ارز حقیقی از دو مسیر موردنظر تأثیر منفی بر تولید و اشتغال دارد (و بالعکس). نحوه تأثیرگذاری کاهش نرخ ارز حقیقی بر متغیرهای مذکور به شرح زیر است:

* کاهش نرخ ارز حقیقی منجر به کاهش تقاضای کالاهای تولید داخل در بازارهای داخلی و خارجی می شود که نتیجه آن عدم استفاده از ظرفیت تولیدی موجود می باشد. بنابراین تولید داخلی از مسیر کاهش نرخ ارز حقیقی و عاطل ماندن بخشی از ظرفیت تولید تحت تأثیر منفی قرار گرفته و تضعیف می شود. بدیهی است به دنبال کاهش تولید، اشتغال نیز کاهش خواهد یافت (افزایش نرخ ارز حقیقی از مسیر بالعکس منجر به افزایش استفاده از ظرفیت های تولیدی موجود و اشتغال خواهد شد).

کاهش نرخ ارز حقیقی از طریق کاهش قیمت کالاهای وارداتی و افزایش قیمت کالاهای صادراتی، قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی را در بازارهای داخلی و خارجی کاهش داده و در نتیجه اثر منفی بر میزان درآمد و بازدهی سرمایه گذاری در داخل به دنبال دارد.

یکی دیگر از پیامدهای تثبیت نرخ ارز اسمی و عدم تعدیل آن متناسب با تفاضل تورم داخلی و خارجی، تعدیل بازار ارز به صورت شوک گونه در مقاطع زمانی مختلف (حدود ۱۰ سال یکبار) است.

پیامدهایی به شرح زیر به دنبال داشته است:

- * کاهش رشد اقتصادی و رشد صنعتی (تجربه رشدهای پایین و منفی طی دوره های موردنظر).
- * افزایش تورم (تجربه تورم های بالای ۳۰ درصد طی دوره های مذکور).
- * رکود فزاینده اقتصادی از طریق کاهش هزینه های مصرفی و سرمایه گذاری (رشدهای منفی و پایین هزینه های مصرفی بخش خصوصی و دولتی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص).
- * افزایش یکباره هزینه های تولید، گسترش مطالبات معوق بانک ها، مسدود شدن کالاهای وارداتی در گمرک و ... از دیگر پیامدهای افزایش جهشی نرخ ارز بویژه در بخش های تولیدی (بویژه صنعتی) است.





فرجام مداخله دولت در بازار ارز

گفتگو با حسن ولی بیگی استاد یار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

سیاست های ارزی اعلام شده از سوی رئیس کل جدید بانک مرکزی، بازتاب های مختلفی در میان رسانه ها و اقتصاد دانان ایجاد کرده است. پیش بینی این سیاست هارا با دکتر حسن ولی بیگی اقتصاد دان به بحث گذاشته ایم:

***نرخ ارز در کشور فراز و نشیب های متعددی را تجربه کرده است. تقریباً در دهه گذشته ما شاهد رشد ۴۴ برابری نرخ ارز هستیم. لطفاً توضیح دهید چرا نرخ ارز به اینجا رسید؟**

عمده مشکلات کشور در دهه های گذشته به دلیل وفور درآمدهای نفتی که پنهان شده بود در دهه نود به دلیل محدودیت در صدور نفت و فرآوردهای نفتی بروز و ظهور پیدا کرد. در ابتدای دهه نود به دلیل تحریم های بین المللی و کاهش درآمدهای ارزی کشور از سال ۱۳۸۹ و بویژه ناکارآمدی در مدیریت درآمدهای نفتی در گذشته، بازار ارز در معرض فعالیت های سوداگرانه قرار داد؛ این در حالی است که افزایش شدید واردات در سال های قبل به دلیل اهرم کردن ارز برای جلوگیری از تورم، و نحیف شدن بخش تولید اقتصاد کشور را بیش از پیش در موقعیت ضعف قرار داد. تورم لجام گسیخته در سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ ناشی از مشکل ساختاری کسری بودجه دولت نیز مزید بر علت شده و نرخ ارز جهش ناگهانی را تجربه کرد. بگونه ای که نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا خرداد ماه ۱۳۹۲ بالغ بر ۲۱۹ درصد رشد کرد. با روکار آمدن دولت جدید و شکل گیری انتظارات مثبت مبنی بر به سرانجام رسیدن برجام، انتظارات تورمی فروکش کرد. هرچند کسری بودجه و رشد نقدینگی ناشی از آن همچنان ادامه داشت، از سرگیری صادرات نفت و درآمدهای نفتی به این وضعیت کمک کرد و دولت با مداخله در بازار ارز همچون دهه هشتاد و سیاست تزریق ارز به بازار، بازار ارز سال های ۱۳۹۳-۹۶ را با ثبات طی کرد. گویا قرار نیست دولت از گذشته بویژه تحولات سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ درس بگیرد. از ابتدای سال ۱۳۹۷ با خروج آمریکا از برجام، شاهد دور دوم تحریم ها در کشور هستیم که متعاقب آن محدودیت در درآمدهای نفتی افزایش یافت و به ناچار از سیاست تزریق ارز به بازار عقب نشینی کرده و مجدداً انتظارات تورمی شکل گرفت. در سال ۱۳۹۷ نرخ ارز رشد ۱۶۵ درصد را تجربه کرد و در سال ۱۳۹۸ به دلیل تخلیه شوک تحریم با افزایش ۱۵ درصدی مواجه شد. شیوع بیماری کرونا در انتهای سال ۱۳۹۸ و تداوم رکود اقتصادی در کشور باعث شد در سال ۱۳۹۹ نرخ ارز ۶۲ درصد افزایش یابد. با روی کار آمدن دولت جدید آمریکا و از سرگیری مذاکرات برجامی باعث کنترل انتظارات تورمی شد و سال ۱۴۰۰ با افزایش ۷ درصدی نرخ ارز، ثبات نسبی در بازار حاکم شد. سال ۱۴۰۱ سال پرچالشی بود و با فرا و نشیب هایی که داشت از ابتدای سال تا آخر دی ماه نزدیک به ۶۰ درصد افزایش را تجربه کرد. تحولات ارزی در این سال موجب تغییر رئیس بانک مرکزی و شروع رویکردهای جدید ارزی در کشور توسط وی شد.

***از سال ۱۳۹۷ شاهد وجود نرخهای ارز چندگانه در اقتصاد کشور هستیم این رویکرد جدید دولت چه تغییر در بازار ارز ایجاد کرده است؟**

با شروع دور جدید تحریم ها، دولت در اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ نرخ ارز را برای تامین همه کالاهای وارداتی ۴۲۰۰ تومان اعلام نمود و غافل از اینکه آیا تحولات آتی اجازه خواهد داد ارز کلیه کالاهای وارداتی با این نرخ تامین گردد. در این راستا بانک مرکزی برای سازماندهی بازار ارز در حوزه های مختلف سامانه نیما را طراحی کرد. لزوم وجود ارز نیمایی زمانی پررنگ شد که شکاف عمیقی بین نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی و نرخ ارز بازار آزاد نمایان شد.

به دلیل انتظارات تورمی شکل گرفته در جامعه، تقاضای ارز چه برای واردات و چه بخش سوداگری آن افزایش یافت و از سوی دیگر اختلاف ارز نیمایی و بازار آزاد مانعی جدی در ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان بود و سیاست گذاری ارزی را بر آن داشت که اجازه دهد ارز نیمایی انعطاف داشته باشد و به سمت ایجاد بازارهای دیگر و متنوع کردن روشهای ایفای تعهدات ارزی حرکت کند. لیکن ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومان همچنان برای کالاهای اساسی تا ابتدای سال ۱۴۰۱ باقی ماند.

در طی این سالها علاوه بر دلار ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی و دلار نیمایی، دلار سنایی، دلار حواله ای و دلار بازار آزاد، دلار هرات، سلیمانیه و دبی و دلار حواله ای نیز در بازار ارز خود نمایی می کرد.

این سیاست سیاست گذار ارزی، به دلیل وجود مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران، تحریم های بین المللی و شیوع بیماری کرونا در جهان و ایران نتوانست در کنترل نرخ ارز موفق باشد و فراز و نشیب های زیادی را در چهار سال اخیر شاهد بودیم. بهر حال وجود نرخهای چندگانه ارز به دنبال خود رانت و فساد نیز خواهد داشت و راه حلی بجز خروج از این وضعیت نیست. در این راستا دولت در ابتدای سال جاری، نرخ ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی کالاهای اساسی را حذف کرد و این گام رو به جلو بود.

***نظرتان در خصوص ارز ۲۸۵۰۰ تومانی که از زمان رئیس کل بانک مرکزی جدید ابلاغ شده چیست؟**

با انتصاب رئیس کل جدید بانک مرکزی، نرخ ارز نیمایی ۲۸۵۰۰ تومان در راستای ثبات بخشی به تامین واردات کشور اعلام شد و این سیاست تداعی کننده ارز ۴۲۰۰ تومان اعلامی از سوی دولت قبل در سال ۱۳۹۷ است. و قرار است نرخ کالاهای اساسی برای دوسال بر اساس تخصیص ارز نیمایی به واردات این کالاهای ثابت باقی بماند. البته رئیس بانک مرکزی اعلام کرده است که ۲۸۵۰۰ تومان برای ارز نیمایی نرخ میانگین است و قابل انعطاف است.

البته تجربه نشان داده است که سیاستگذار ارزی در ابتدا چسبندگی به این نرخ دارد و با ایجاد مشکل در بازار رفته رفته این نرخ را تعدیل می کند.

اینجا این سوال مطرح میشود چطور امکان دارد که با تورم حدود ۴۰ درصدی میتوان این نرخ را برای مدتی تثبیت کرد؟ این سیاست نیز اگر شرایط نظیر سالهای ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ باشد عاقبتی فراتر از ارز ترجیحی ۴۲۰۰ نخواهد داشت. اگر تورم مهار نشود که در کوتاه مدت این امکان ندارد، رفته رفته فاصله ارز ۲۸۵۰۰ تومان با بازار آزاد بیشتر خواهد شد (اگر درآمدهای نفتی در آینده محدود شود و انتظارات تورمی فعال گردد این فاصله نیز بیشتر خواهد شد) و مجدداً بحثهای ایجاد رانت و هدر رفت منابع مطرح می شود. از سوی دیگر این سیاست روی چشم انداز نرخ ارز بازار آزاد نیز تاثیر گذار است و تا حدودی آنرا کنترل میکند. در این شرایط با توجه به نرخ تورم، نرخ ارز در بازار آزاد کمتر از مقدار واقعی خود قیمت گذاری می شود و این خود میتواند به خروج ارز از کشور دامن بزند.

به نظر میرسد اجازه انعطاف محدود به بازار ارز نیمایی در کنار کنترل قیمت کالاهای اساسی وارداتی تامیننی از طریق این ارز بسیار حائز اهمیت است. اگر کالایی با ارز نیمایی وارد کشور شود لیکن با ارز بازار آزاد قیمت گذاری شود عملاً هم منابع به هدر رفته و رانت آن در جیب واردکنندگان رفته است و هم اهداف دولت یعنی جلوگیری از بدتر شدن معیشت افراد و ایجاد رونق در تولید و ثبات در قیمت مواد اولیه است تحقق نخواهد یافت.

از سوی دیگر کنترل انتظارات تورمی در این برهه از زمان نیز مهم است و میتوان با اتخاذ سیاستهای مناسب زمینه جلب اعتماد عمومی و فعالان در بازارها را فراهم کرد. نکته دیگر ارز صادرکنندگان غیر از پتروشیمی ها و گروه فلزات است که طبق بخشنامه بانک مرکزی میتوانند ارز خود را به غیر از سامانه یکپارچه معاملات ارزی (نیمایی) تسویه کنند. سوق دادن واردات کالاهای غیر از کالاهای اساسی به سمت مرکز مبادله ارز و طلا و تامین واردات آنها از طریق عرضه ارز صادرکنندگان و شکل گیری نرخ ارز در حاشیه بازار (به عنوان مثال هزار تومان زیر قیمت بازار آزاد) میتواند هم در تامین اقلام مورد نیاز ثبات ایجاد کند و هم اینکه صادرکنندگان با اعتمادی بیشتر به عرضه ارز در این بازار اهتمام داشته باشند. چنانچه نرخ ارز مرکز مبادله از بازار آزاد فاصله بگیرد، این بازار نیز دچار چالش تامین ارز خواهد شد.

ایجاد نظم و انضباط مالی و اصلاح ساختار بودجه ای دولت، جلوگیری از قاچاق کالاهای برای کنترل تقاضای ارز در کشور، کنترل انتظارات تورمی، گسترش ابزارهای حفظ قدرت خرید پول در کشور، جلوگیری از صدور بخشنامه های متعدد، سیاست مکمل ایجاد ثبات در بازار ارز است.





نرخ ارز و قیمت کالاها در بورس کالای ایران



دکتر منصور عسگری دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

بررسی آثار تغییرات نرخ ارز بر قیمت در بورس کالا

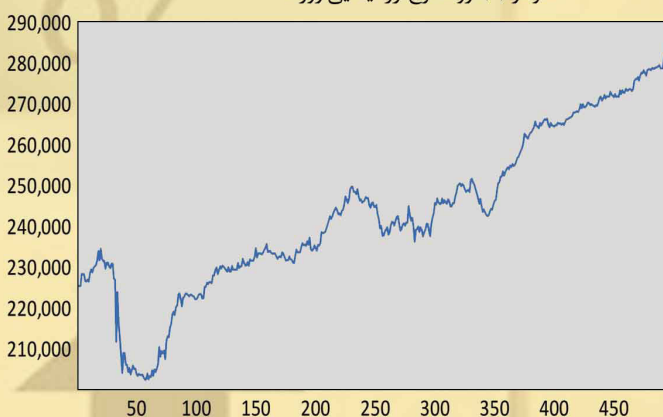
نمودار (۱) روند نرخ ارز روزانه را در بازار آزاد در دوره ۰۷/۰۱/۱۴۰۰ الی ۲۳/۰۹/۱۴۰۱ نشان می‌دهد، ملاحظه می‌گردد این نرخ از ۲۴۷۵۰۶۰ ریال بازاری هر دلار به ۳۸۰۵۰۰ ریال بازاری هر دلار افزایش یافته است.

نمودار (۱): روند نرخ ارز روزانه بازار آزاد



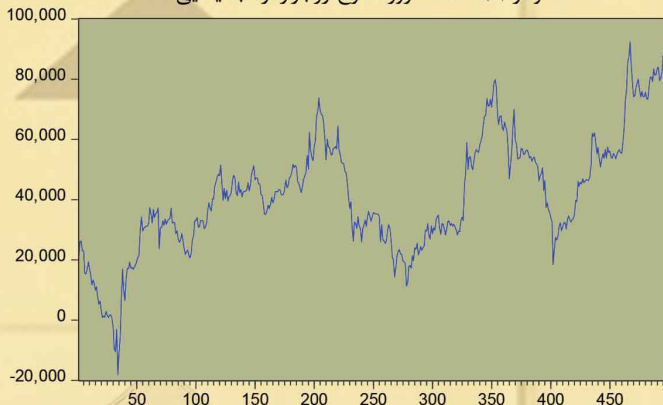
نمودار (۲) روند نرخ ارز روزانه نیمایی را در دوره ۰۷/۰۱/۱۴۰۰ الی ۲۳/۰۹/۱۴۰۱ نشان می‌دهد، ملاحظه می‌گردد این نرخ از ۲۳۶۱۹۹ ریال بازاری هر دلار به ۲۸۷۳۵۹ ریال بازاری هر دلار افزایش یافته است.

نمودار (۲): روند نرخ ارز نیمایی روزانه



نمودار (۳) روند اختلاف نرخ ارز روزانه بازار آزاد را با نرخ نیمایی در دوره ۰۷/۰۱/۱۴۰۰ الی ۲۳/۰۹/۱۴۰۱ نشان می‌دهد، ملاحظه می‌گردد این نرخ از ۲۱۳۶۱ ریال بازاری هر دلار به ۹۳۱۴۱ ریال بازاری هر دلار افزایش یافته است.

نمودار (۳): اختلاف روزانه نرخ ارز بازار آزاد با نیمایی



نرخ ارز یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی در هر کشوری است، در اقتصاد ایران یکی از دلایل اهمیت این متغیر، تأثیری است که بر قیمت‌های نسبی (رقابت‌پذیری)، صادرات، واردات، تخصیص منابع، سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی و سایر متغیرهای اقتصادی دارد. از آنجائی که در اقتصاد ایران سهم کالاهای قابل مبادله (صادرات بعلاوه واردات) در تولید ناخالص داخلی بالا ارزیابی می‌شود هرگونه تنظیم نادرست این نرخ می‌تواند از طریق اثرگذاری بر قیمت‌های نسبی منجر به اختلال در تخصیص منابع و عملکرد اقتصادی شود که به نظر می‌رسد به رغم روند صعودی نرخ اسمی نه واقعی ارز، این نرخ در تراز با بنیان‌های اقتصاد ایران تنظیم نشده است (نرخ ارز واقعی، نرخ ارز اسمی را با توجه به تغییرات سطح عمومی قیمت‌های داخلی و خارجی تعدیل می‌نماید)؛ بنابراین تأکید بر نرخ ارز اسمی در شرایط تورمی که قیمت‌های داخلی با سرعت بیشتری نسبت به قیمت‌های خارجی افزایش می‌یابد، می‌تواند موجب انحراف در مدیریت نرخ ارز و ایجاد عدم تعادل در بخش داخلی و خارجی اقتصاد گردد. در واقع، نرخ واقعی ارز قیمت نسبی مهمی را در اقتصاد نشان می‌دهد که هسته مرکزی برنامه‌های تعدیل ساختاری و غالباً سیاست‌های تغییر دهنده نرخ ارز حقیقی است که به منظور بهبود رقابت بین‌المللی و تغییر منابع در جهت تولید کالاهای مبادله‌ای تدوین می‌شود. تغییرات نرخ ارز حقیقی نه تنها بر جریان‌های تجاری و موازنه پرداخت‌ها، بلکه بر ساختار و سطح تولید، مصرف، اشتغال و تخصیص منابع در یک اقتصاد تأثیر می‌گذارد.

در ادبیات مرسوم اقتصاد کشورهای در حال توسعه، اغلب افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول داخلی) سیاست مناسبی برای بهبود رقابت‌پذیری اقتصاد معرفی می‌شود زیرا اجرای این سیاست باعث کاهش قیمت تولیدات داخلی بر حسب دلار در بازارهای خارجی می‌شود و امکان توسعه فروش و رقابت در بازارهای صادراتی را بوجود می‌آورد. به‌علاوه، این سیاست باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی بر حسب پولی ملی (ریال) می‌شود و از این طریق توان رقابتی تولیدات داخلی در مقابل واردات را افزایش می‌دهد. با این حال، علیرغم این استدلال صریح، در عمل؛ سیاست مذکور اغلب از کارایی قابل انتظار برخوردار نیست و در شرایط معینی نیز در بلندمدت باعث کاهش ظرفیت رقابت‌پذیری می‌شود. در اقتصادهای حمایتی کشورهای در حال توسعه این سیاست به سرعت تعدیل می‌شود زیرا به محض افزایش قیمت و کاهش عرضه کالاهای وارداتی در اثر افزایش نرخ ارز، تولیدکننده داخلی به جای توسعه بازار و بهره‌گیری از قدرت جدید رقابت برای افزایش کیفیت و مقیاس تولید، آن را مجوزی برای تطبیق قیمت‌های خود با قیمت‌های وارداتی و کسب سودجویی قرار می‌دهد و به جای توسعه کمی و کیفی تولید، از بازار بلامنازع واردات سوء استفاده می‌کند. نظارت و کنترل این رفتار تولیدکنندگان در یک فضای تورمی اقتصاد که معمولاً با افزایش نرخ ارز تشدید هم می‌شود بسیار مشکل است و اغلب سطح سود ناشی از تورم و سیاست ارزی در حدی است که نیازی برای تلاش به افزایش کارایی و قدرت رقابت باقی نمی‌ماند.

افزایش نرخ ارز باعث افزایش قیمت مواد اولیه و واسطه وارداتی و زمینه سازگرانی داخلی شده، افزایش هزینه تولید، کاهش قدرت رقابتی و رکود تورمی را به دنبال دارد. مدیریت تولید داخلی به جای بهره‌گیری از فرصت نرخ ارز برای جبران کمبودهای کیفیتی محصول و کسب دانش و فناوری‌های نوین تولید با هدف حفظ و توسعه متداوم بازار، اغلب ترجیح می‌دهد سوار بر جو متلاطم کسب و کار داخلی و شرایط تورمی درصدد سودجویی برآمده خود سبب تشدید عوامل ضد رقابتی و افزایش هزینه تولید و انحطاط کسب و کار می‌شود.

واضح است که یافتن نرخ بهینه ارز کار ساده‌ای نبوده که این مشکل ناشی از تبعات متضاد این سیاست در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت است. کاهش نرخ ارز در کوتاه‌مدت منافع ناپایدار به‌صورت کنترل تورم دارد؛ ولی در بلندمدت با جانشینی کالاهای داخلی با مشابه خارجی‌شان این سیاست هزینه‌ای به‌صورت کاهش تولید داخلی به دنبال خواهد داشت. برعکس، افزایش نرخ ارز، در کوتاه‌مدت هزینه‌هایی به صورت افزایش تورم و در بلندمدت منافع به‌صورت رونق تولید داخلی خواهد داشت، اما اینکه کدام سیاست انتخاب شود، به هدف سیاست‌گذار بستگی دارد.

در این گزارش نتایج مربوط به شبیه‌سازی اثرات افزایش نرخ ارز در بازار آزاد، نرخ نیمایی و اختلاف این نرخ به صورت روزانه بر میانگین موزن قیمت پایانی روزانه هر گروه کالایی (AP) و قیمت پایه عرضه (FP) هر گروه کالایی به صورت روزانه با استفاده از روش مدل‌های خودهمبسته برداری (VAR) شبیه‌سازی شده است.





جدول (۳). اثرات افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز بر قیمت پایه عرضه بر معاملات بورس کالا (درصد-رتبه)

گروه کالایی	نرخ ارز بازار آزاد		نرخ ارز نیمایی		اختلاف نرخ ارز بازار آزاد و نیمایی	
	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه
شیمیایی و پتروشیمی	۲/۱۹	۱۰	۱/۹۵	۱۰	۸/۱۰	۹
آلومینیم	۱۷/۵۳	۳	۲۵۰/۱	۱	۴۵/۱۹	۱
آهن اسفنجی	۶/۷۰	۹	۷/۶۱	۷	۲۱/۶۹	۴
روی	۶/۸۵	۸	۳/۵۱	۸	۴۳/۹۵	۳
سایر فلزات	۱۰/۳۱	۶	۱۷/۹۱	۴	۲۰/۲۹	۵
سنگ آهن	۲۰/۲۲	۲	۱۰/۵۴	۵	۱۵/۳۲	۷
سیمان	۲۶/۵۲	۱	۱۵/۵۸	۶	۱۹/۳۳	۶
طلا	۱۴/۹۹	۴	۲۲/۸۸	۳	۱۳/۴۶	۸
فولاد	۹/۲۰	۷	۲/۶۳	۹	۶/۶۳	۱۰
مس	۱۲/۹۸	۵	۲۴/۵۰	۲	۴۴/۳۶	۲

نتیجه گیری و جمع بندی

آثار تغییرات نرخ ارز بیشترین تاثیر را بر شاخص قیمت واردات به همراه دارد و این اثر در دوره زمانی کوتاه تری تخلیه و افزایش تورم، شاخص قیمت کالاهای صادراتی و شاخص قیمت کالاهای صنعتی را به همراه دارد. علاوه بر این، آثار تغییرات نرخ ارز بر رشد اقتصادی کشور نیز کاهش خواهد بود.

با توجه به عرضه کالاهای مهم صنعتی در بورس کالا، افزایش شکاف میان نرخ ارز بازار آزاد و نیما آثار قیمتی قابل توجهی بر قیمت نهایی این گروه ها در بازار دارد که عملاً با سیاست دولت مبنی بر کاهش تورم و کنترل دامنه نوسانات قیمت در تناقض است. از این رو به نظر می رسد سازوکار بورس کالایی در شرایط تحریمی برای تعیین قیمت این کالاها به معنی انتقال نوسانات نرخ ارز به بازار این کالاها بوده و سیاست گذار بخش صنعت، معدن و تجارت در بورس کالا از توانایی لازم (قانونی و حاکمیتی) برای اثرگذاری و کنترل و تنظیم قیمت ها برخوردار نیست.

با توجه به افزایش قابل توجه قیمت گروه های کالایی موثر بر ساخت مسکن، هزینه های مرتبط با سیاست دولت در ایجاد سالانه یک میلیون واحد مسکونی به شدت افزایش پیدا خواهد کرد.

با توجه به موارد فوق و تاثیرگذاری شدید افزایش نرخ ارز بر بخش های قیمتی و تولیدی کشور، ضرورت اتخاذ سیاست ارزی مناسب به منظور جلوگیری از کاهش نوسانات ارزی بویژه در شرایط فعلی و تحریمی کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر خواهد بود.



با توجه به عرضه کالاهای مهم صنعتی در بورس کالا، افزایش شکاف میان نرخ ارز بازار آزاد و نیما آثار قیمتی قابل توجهی بر قیمت نهایی این گروه ها در بازار دارد که عملاً با سیاست دولت مبنی بر کاهش تورم و کنترل دامنه نوسانات قیمت در تناقض است.

در اثر افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز نیمایی، بیشترین افزایش قیمت عرضه مربوط به گروه های آلومینیم و مس به ترتیب ۰۱/۲۵ و ۵۰/۲۴ درصد بوده و گروه کالایی شیمیایی و پتروشیمی دارای با ۹۵/۱ درصد با کمترین افزایش مواجه شده اند.

جدول (۱): خلاصه آمار توصیفی نرخ ارز روزانه بازاری و نیمایی

نرخ ارز	تعداد	میانگین	حد اکثر	حد اقل	انحراف معیار	متوسط نرخ رشد روزانه (%)	نرخ رشد دوره (%)
بازار آزاد	۴۹۹	۲۵۸۷۵۶	۳۸۵۵۰۰	۲۰۶۳۷	۲۵۶۱۵	۰/۰۹	۵۳/۷۰
نیمایی	۴۹۹	۲۴۴۱۰۳	۲۸۹۲۸۰	۲۰۳۲۶۲	۲۰۱۲۱	۰/۰۵	۲۷/۰۴
اختلاف دو نرخ	۴۹۹	۴۱۶۴۸	۹۶۲۲۰	-۱۸۱۸۱	۱۹۶۷۴	۰/۹۵	۳۳۶/۰۳

نتایج حاصل از مدل سازی قیمت پایانی و عرضه ۱۰ گروه کالایی بورسی

نتایج این بخش به تفکیک نرخ ارز بازار آزاد، نیمایی و اختلاف میان آنها ارایه شده است. شایان ذکر است که نرخ رشد روزانه ارز بازار آزاد نسبت به نرخ ارز نیمایی از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا ابتدای دی ماه سال ۱۴۰۱ حدود دوبرابر بوده است.

بررسی ها نشان می دهد که در بازار گروه کالایی مورد بررسی، با افزایش نرخ ارز (بازار آزاد، نیمایی و اختلاف نرخ ارز بازار آزاد و نیمایی)، به صورت متوسط «قیمت پایانی» (قیمت در پایان معاملات) بیشتر از «قیمت عرضه» تغییر خواهد کرد. بیشترین و کمترین تغییرات قیمت های گروه های کالایی در بورس به شرح زیر قابل ارایه است:

الف. تغییرات قیمت پایانی (جدول ۲):

در اثر افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز بازار آزاد بیشترین افزایش قیمت پایانی مربوط به گروه های سنگ آهن و مس به ترتیب با ۴۹/۴۱ و ۸۷/۳۷ درصد بوده و گروه های فولاد و آهن اسفنجی به ترتیب با ۵/۳ و ۸۸/۶ درصد از کمترین افزایش برخوردار خواهند بود.

در اثر افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز نیمایی، بیشترین افزایش قیمت پایانی مربوط به گروه های مس و سنگ آهن به ترتیب با ۴۹/۲۴ و ۲۴/۲۴ درصد بوده و گروه «شیمیایی و پتروشیمی» با ۲۹/۱ درصد با کمترین افزایش مواجه شده اند.

در اثر افزایش ۴۰ درصدی اختلاف نرخ ارز آزاد و نیمایی، بیشترین افزایش قیمت پایانی مربوط به گروه های مس و روی به ترتیب با ۴۸/۴۰ و ۵۶/۳۹ درصد بوده و گروه فولاد با ۱۴/۲ درصد از کمترین افزایش برخوردار بوده اند.

جدول (۲) اثرات افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز بر میانگین قیمت پایانی بر معاملات بورس کالا (درصد-رتبه)

گروه کالایی	نرخ ارز بازار آزاد		نرخ ارز نیمایی		اختلاف نرخ ارز بازار آزاد و نیمایی	
	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه
شیمیایی و پتروشیمی	۸/۶۱	۷	۱/۳۹	۱۰	۴/۱۳	۹
آلومینیم	۷/۵۶	۸	۱۳/۹۷	۵	۱۰/۴۲	۷
آهن اسفنجی	۶/۸۸	۹	۹/۴۸	۶	۴/۶۶	۸
روی	۱۳/۸۱	۶	۳/۳۸	۹	۳۹/۵۶	۲
سایر فلزات	۲۳/۳	۴	۱۷/۲۵	۴	۳۷/۹۲	۳
سنگ آهن	۴۱/۴۹	۱	۲۴/۲۴	۲	۲۶/۱۳	۴
سیمان	۲۸/۳۶	۳	۲/۲۹	۸	۱۵/۵۹	۶
طلا	۲۰/۶۷	۵	۲۲/۸۸	۳	۱۷/۰۴	۵
فولاد	۳/۵۰	۱۰	۴/۳۱	۷	۲/۱۴	۱۰
مس	۳۸/۸۷	۲	۲۴/۴۹	۱	۴۰/۴۸	۱

ب. تغییرات قیمت عرضه (جدول ۳):

در اثر افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز بازار آزاد بیشترین افزایش قیمت عرضه مربوط به گروه های سیمان و سنگ آهن به ترتیب با ۵۲/۲۶ و ۲۲/۲۰ درصد بوده و گروه های یمایی و پتروشیمی و آهن اسفنجی نیز به ترتیب با ۱۹/۲ و ۷۰/۶ درصد از کمترین افزایش برخوردار خواهند بود.

در اثر افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز نیمایی، بیشترین افزایش قیمت عرضه مربوط به گروه های آلومینیم و مس به ترتیب ۰۱/۲۵ و ۵۰/۲۴ درصد بوده و گروه کالایی شیمیایی و پتروشیمی دارای با ۹۵/۱ درصد با کمترین افزایش مواجه شده اند.

در اثر افزایش ۴۰ درصدی اختلاف نرخ ارز آزاد و نیمایی، بیشترین افزایش قیمت عرضه مربوط به گروه های آلومینیم و مس به ترتیب با ۱۹/۴۵ و ۳۶/۴۴ درصد بوده و گروه فولاد با ۶۳/۶ درصد از کمترین افزایش برخوردار بوده است.





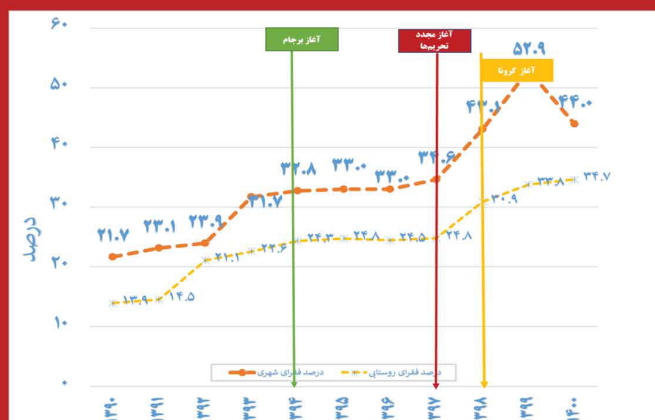
آثار رفاهی تغییر نرخ ارز ترجیحی بر رفاه خانوارهای ایرانی

دکتر خلیل حیدری استاد یار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

تاثیر مستقیم افزایش تعداد خانوارهایی که کالری دریافتی کمتر از استاندارد دارند بر خط فقر و درصد خانوارهای فقیر خواهد بود. پایه اصلی محاسبه خط فقر در این مطالعه، مصرف کالاهای اساسی توسط خانوارها است. در نتیجه تغییرات مصرف تحت تاثیر افزایش یا کاهش قیمت می تواند خط فقر و در نتیجه شاخص های فقر را متاثر نماید. از سوی دیگر مخارج خانوارها به غیر از مخارج خوراکی تابعی خواهد بود از مخارج خوراکی خانوارها زیرا خانوارها به سبب حفظ سلامت سعی در ثابت نگه داشتن مخارج غذایی خود دارند. برای این منظور سایر مخارج همچون بهداشت، آموزش، پوشاک، تفریح و سایر خدمات را کاهش می دهند. بنابراین اگر با تغییر نرخ ارز ترجیحی به نرخ سامانه مبادله الکترونیکی که موجب افزایش قیمت کالاهای اساسی گردیده است، خانوارها به منظور حفظ سلامت ابتدا از مخارج سایر اقلام مصرفی خواهند کاست و چنانچه شوک قیمتی بالا باشد از مخارج خوراکی نیز کاسته می شود که در هر دو صورت خط فقر افزایش خواهد یافت و در نتیجه خانوارهای بیشتری دچار فقر خواهند شد. حال که مکانیزم تاثیر افزایش نرخ ارز بر خط فقر مشخص گردید سوال این است که آیا تغییر نرخ ترجیحی ارز قیمت کالاهای اساسی را افزایش خواهد داد.

براساس تصویر واقعی از وضعیت فقر خانوارها در حال حاضر دیده می شود که در نتیجه افزایش نرخ ارز از نرخ ترجیحی به نرخ سامانه الکترونیکی برای هزینه تولید و واردات کالاهای اساسی، به یقین می توان گفت نه تنها فقر افزایش خواهد یافت، بلکه وضعیت رفع فقر و توزیع منابع نیز بهبود نخواهد یافت.

نمودار (۲). درصد فقرای خانوارهای شهری و روستایی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰



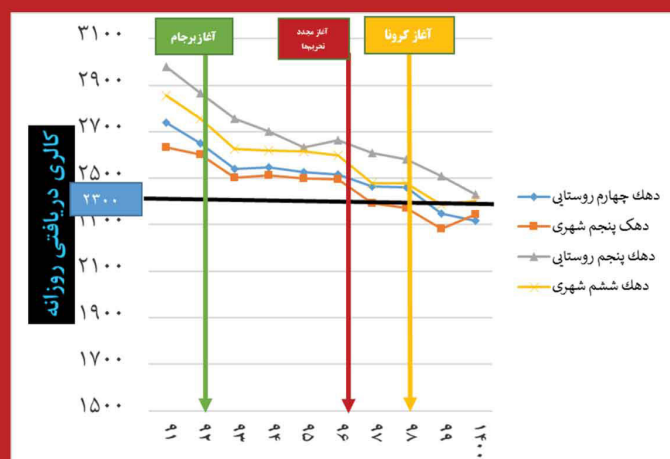
دهک های اول تا پنجم و بخشی از خانوارهای دهک ششم شهری و دهک های اول تا پنجم روستایی در حال حاضر کمتر از استاندارد ۲۳۰۰ کالری انرژی تامین می کنند. به عبارت دیگر غذای کافی برای تامین کالری مورد نیاز نمی خورند. متأسفانه با توجه به افزایش شدید قیمت اقلام خوراکی روند نزولی احتمالاً در سال ۱۴۰۱ نیز ادامه خواهد داشت.



تا قبل از سال ۱۴۰۱ دولت با پرداخت نرخ ارز ترجیحی با قیمت ۴۲۰۰۰ ریال برای واردات کالاهای اساسی مورد نیاز کشور از ذی نفعان و گروه های مختلف مصرف کننده (خانوارها، صنف و صنعت) حمایت می نمود. اما محدودیت های ارزی کشور از یک سو و رشد تقاضا به دلیل افزایش جمعیت و رشد سایر انواع تقاضا (صنف و صنعت) برای این اقلام از سوی دیگر، چشم انداز تأمین ارز ترجیحی را با چالش همراه ساخت. از سوی دیگر فساد موجود در نظام تخصیص ارز ترجیحی از سوی دیگر بر هم زدن قیمت های نسبی، سیاست گذاران و قانون گذاران کشور را به این جمع بندی رساند که نرخ ارز ترجیحی را به نرخ بازار بسیار نزدیک کنند. این تصمیم در قانون بودجه ۱۴۰۱ نهایی شد. این گزارش تلاش می کند از منظر رفاه خانوارهای شهری و روستایی به واکاوی نتایج سیاست حذف نرخ ارز ترجیحی کالاهای اساسی در کشور بپردازد. از آنجا که حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی اثر مستقیم بر قیمت تمام شده کالاهای اساسی دارد، اتخاذ این سیاست افزایش هزینه های تولید و واردات اقلام مشمول را به صورت مستقیم و اقلام غیرمشمول را به صورت غیرمستقیم به دنبال داشت. که اثر نهایی آن بر قیمت مصرف کننده امری اجتناب ناپذیر شد. برای مثال همان طور که مطالعات تاثیر حذف نرخ ارز ترجیحی بر برخی اقلام اساسی نشان می داد تغییر نرخ ارز ترجیحی به نرخ سامانه مبادله الکترونیکی بانک مرکزی (از ۴۲۰۰۰ ریال به حدود ۲۷۰۰۰۰ ریال) هزینه های تولید در نتیجه قیمت تمام شده اقلام اساسی خوراکی را به شدت افزایش داد. تورم سالانه اقلام خوراکی و دخانی در دی ماه ۱۴۰۱ برای جامعه شهری و روستایی حدود ۶۵ درصد بوده است که حدود ۲۰ درصد از متوسط نرخ تورم بیشتر بوده این امر بازگو کننده شدت خالی شدن سبد خوراکی خانوارهای ایرانی به خصوص خانوارهای کم درآمد است.

موضوع با اهمیت دیگر در خصوص آثار رفاهی حذف نرخ ارز ترجیحی امنیت غذایی خانوارها است. لذا به منظور به تصویر کشیدن وضعیت امنیت غذایی با استفاده از آخرین اطلاعات در دسترس از طرح هزینه درآمد خانوار برای دوره ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ (آخرین سالی که نتایج طرح هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران منتشر شده است) کالری دریافتی خانوار محاسبه شده نتایج در نمودار (۱) نشان داده شده است. نتایج نشان داده شده در این نمودار این واقعیت را آشکار می کند که به شدت امنیت غذایی خانوارهای ایرانی در تهدید است. به طوری که دهک های اول تا پنجم و بخشی از خانوارهای دهک ششم شهری و دهک های اول تا پنجم روستایی در حال حاضر کمتر از استاندارد ۲۳۰۰ کالری انرژی تامین می کنند. به عبارت دیگر غذای کافی برای تامین کالری مورد نیاز نمی خورند. متأسفانه با توجه به افزایش شدید قیمت اقلام خوراکی روند نزولی احتمالاً در سال ۱۴۰۱ نیز ادامه خواهد داشت.

نمودار (۱). کالری دریافتی خانوارهای شهری و روستایی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰





نرخ ارز از چه مسیری قیمت ها را متاثر می کند؟

دکتر سمیه نعمت الهی عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی



سه پرسش اساسی در خصوص افزایش نرخ ارز بر قیمت ها قابل طرح است:

* اول آنکه کانال های اثرگذاری نرخ ارز بر شاخص قیمت ها از چه مسیرهایی است؟

* دوم آنکه میزان تاثیرگذاری نرخ ارز (از این کانال ها) بر این شاخص ها چه میزان است؟

* سوم آنکه بیشترین تاثیرات قیمتی در کدام بخش ها تخلیه می شود؟

در پاسخ به سوال اول؛ بررسی کانال های اثرگذاری نرخ ارز بر قیمت ها نشان می دهد نرخ ارز از سه کانال اصلی بر قیمت ها اثرگذار است:

۱- کانال افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی (مواد اولیه محصولات صنعتی مانند لاستیک، خودرو، پودر شوینده و نهادهای بخش کشاورزی مانند کنجاله، سویا و ...)، افزایش هزینه های تولید (شاخص PPI) و افزایش قیمت محصول نهایی در بازار برای مصرف کننده (شاخص CPI).

۲- کانال افزایش قیمت کالاهای مصرفی وارداتی (مانند برنج خارجی و خودروی خارجی).

۳- کانال تحریک انتظارات تورمی.

براساس جدول زیر در سال هایی که جهش های شدید نرخ ارز وجود داشته است رشد شاخص قیمت کالاهای وارداتی، رشد شاخص قیمت تولیدکننده و به تبع آن تورم افزایش بالایی را تجربه کرده اند.

رشد نرخ ارز و شاخص های قیمت طی دوره های تکانه ارزی

تورم	رشد شاخص قیمت تولیدکننده	رشد شاخص قیمت کالاهای وارداتی	رشد نرخ ارز	سال های توام با جهش ارزی
۳۵	۳۲.۵	۴۷	۴۷.۷	۱۳۷۳
۴۹.۵	۴۷.۴	۷۱.۹	۵۱.۳	۱۳۷۴
۳۰.۵	۳۲.۴	۳۱.۴	۹۱	۱۳۹۱
۳۴.۷	۳۴.۵	۳۱.۵	۲۲	۱۳۹۲
۳۱.۲	۴۱.۲	۱۲۱	۱۵۲	۱۳۹۷

نکات کلیدی:

۱. افزایش نرخ ارز از چندین کانال بر افزایش قیمت های نهایی مصرف کننده تاثیرگذار است. تجربه دهه های گذشته نشان می دهد در سنواتی که جهش های نرخ ارز تجربه شده است انواع شاخص های قیمت رشدهای بالاتری تجربه کرده اند.

۲. افزایش ۱۰۰ درصدی نرخ ارز به افزایش ۵۰ درصدی شاخص قیمت تولیدکننده و حدود ۴۰ درصدی شاخص قیمت مصرف کننده منجر می شود.

شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت بالاترین تاثیرپذیری را از افزایش نرخ ارز دارد که دلیل آن وابستگی به شدت بالاتر این بخش به مواد اولیه و کالاهای واسطه ای وارداتی است. این امر به افزایش شکاف قیمت کارخانه ای برخی محصولات صنعتی و قیمت آنها در حاشیه بازار دامن خواهد زد.

در پاسخ به سوال دوم؛

۱- ابتدا باید توجه داشت که شدت همراهی نرخ ارز و شاخص قیمت کالاهای وارداتی حدود ۹۵ درصد، شدت همراهی نرخ ارز و شاخص بهای تولیدکننده حدود ۹۰ درصد، شدت همراهی شاخص قیمت واردات و شاخص بهای تولیدکننده ۹۱ درصد می باشد.

۲- افزایش ۱۰۰ درصدی نرخ ارز منجر به افزایش ۸۲ درصدی شاخص قیمت کالاهای وارداتی، ۵۰ درصدی شاخص قیمت تولیدکننده و ۴۰ درصدی شاخص قیمت مصرف کننده می شود. در بین زیرگروه های شاخص قیمت تولیدکننده افزایش ۱۰۰ درصدی نرخ ارز، شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت را حدود ۷۵ درصد افزایش می دهد.

در پاسخ به سوال سوم؛

شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت (در بین زیرگروه های شاخص قیمت تولیدکننده) بالاترین تاثیرپذیری از افزایش نرخ ارز را داراست. این امر بدان دلیل است بالاترین سهم از واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای به بخش صنعت و معدن تعلق دارد (از کل واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای؛ سهم بخش کشاورزی ۴.۳ درصد، نفت و گاز ۰.۲ درصد، صنعت و معدن ۸۱.۷ درصد و خدمات ۱۳.۸ درصد می باشد).

شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت بالاترین تاثیرپذیری را از افزایش نرخ ارز دارد که دلیل آن وابستگی به شدت بالاتر این بخش به مواد اولیه و کالاهای واسطه ای وارداتی است. این امر به افزایش شکاف قیمت کارخانه ای برخی محصولات صنعتی و قیمت آنها در حاشیه بازار دامن خواهد زد





زیان های صادراتی نوسانات ارزی

میزگرد تخصصی با موضوع «ارزیابی سیاست های پولی و ارزی در بخش صنعت ایران»

سیاست هایی که طی سالیان اخیر به منظور توسعه صنعتی مورد توجه قرار گرفته بیشتر بر حمایت از تولید کنندگان داخلی و صنایع فاقد پیچیدگی بالا متکی بوده و بازار انحصاری و مطمئن داخلی نیز برای آنان تامین شده است و ارتباط نزدیکی بین تغییرات مولد و سیاست های کلان اقتصادی وجود دارد که برای سیاستگذاران دارای اهمیت بالایی است که در این رابطه می توان به سیاست های ارزی و پولی اشاره کرد.

صنعتی بسیار پیچیده تر شده است، در ایران، فضای حاکم بر اقتصاد و نگرش لایه های اجرایی شریطی فراهم ساخته که در عمل، رویکرد توسعه سخت افزاری و افزایش ظرفیت تولید، همیشه در صنعت رویکردی غالب بوده است.

وی تصریح کرد: سیاست هایی که طی سالیان اخیر به منظور توسعه صنعتی مورد توجه قرار گرفته بیشتر بر حمایت از تولید کنندگان داخلی و صنایع فاقد پیچیدگی بالا متکی بوده و بازار انحصاری و مطمئن داخلی نیز برای آنان تامین شده است و ارتباط نزدیکی بین تغییرات مولد و سیاست های کلان اقتصادی وجود دارد که برای سیاستگذاران دارای اهمیت بالایی است که در این رابطه می توان به سیاست های ارزی و پولی اشاره کرد.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی با اشاره به نامؤثر بودن سیاست های اقتصادی گفت: با توجه به وجود انتظارات عقلایی و نیز انعطاف پذیری قیمت ها و دستمزدها، هرگاه سیاست های اقتصادی دولت قابل پیش بینی باشد، نمی توانند بر میزان تولید واقعی یا بیکاری مؤثر باشند.

وی با بیان اینکه سیاست های قاعده مند برای کاهش بیکاری، مؤثر نیستند اظهار کرد: اگر سیاست های دولت، قابل پیش بینی باشند، به سختی می توانند مردم را غافلگیر کنند (مؤثر باشد) از این رو، سیاست های قابل پیش بینی نمی توانند بر تولید و بیکاری اثر بگذارند.

عسگری با بیان اینکه هر سیاست اقتصادی را می توان به دو بخش پیش بینی پذیر و پیش بینی ناپذیر تقسیم کرد افزود: دولت باید از سیاست های قابل پیش بینی به شدت پرهیز نماید زیرا سیاستگذاران نمی توانند بهتر از بخش خصوصی و مردم، عملکرد اقتصاد را پیش بینی کنند.

میزگرد تخصصی ارزیابی سیاست های پولی و ارزی در بخش صنعت ایران با حضور دکتر منصور عسگری، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی (رئیس پنل)، دکتر حجت ایزدخواستی، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و دکتر مهدی یزدانی، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی (دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی) به منظور بررسی سیاست های ارزی و پولی در بخش صنعت ایران، اثرات سیاست های پولی و ارزی در بخش صنعت ایران و ارائه پیشنهادهایی در خصوص بهره مندی حداکثری از سیاست های پولی و ارزی در بخش صنعت در موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی برگزار شد.

***سیاستگذاران نمی توانند بهتر از بخش خصوصی و مردم، عملکرد اقتصاد را پیش بینی کنند.**

به گزارش روابط عمومی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، در ابتدای میزگرد دکتر منصور عسگری عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، مطالبی در خصوص سیاست های ارزی و پولی ارائه کرد و گفت: امروزه هرگونه تصمیم گیری در مورد برنامه ریزی اقتصادی کشور، مستلزم آگاهی یافتن از وضعیت موجود است و طبیعی است که پیش بینی های لازم نیز با توجه به وضعیت موجود انجام می شود که برای تحقق این امر استفاده از نظریه ها و سیاست های اقتصادی ضرورت دارد. وی نخستین قدم در تحلیل کمی رفتار هر نظام اقتصادی را تدوین الگویی نظری که خصوصیات نظام مورد نظر را در قالب معادلات ریاضی بیان کند دانست و افزود: بررسی همه جانبه و تجزیه و تحلیل دقیق آثار سیاست های پولی و ارزی نیازمند داشتن برآورد دقیق و قابل اطمینانی از روابط اقتصادی در قالب یک الگوی اقتصادسنجی است که در آن باید ارتباط بین متغیرهای تحت کنترل مقامات پولی و ارزی با متغیرهای هدف به روشنی مشخص باشد.

وی ادامه داد: تجزیه و تحلیل های سیاستی و پیش بینی هایی که با استفاده از این روش انجام می گیرد برای تصمیم گیرندگان اقتصادی در ایران به سهولت قابل استفاده خواهد بود. بنابراین اگر برنامه ریزان و سیاستگذاران بخش های صنعتی و اقتصاد کلان کشور از چگونگی اثرات تصمیمات و سیاست های اقتصادی بر متغیرهای اقتصادی مطلع نباشند عملکرد این متغیرها ممکن است دچار اختلال شده و از مسیر اصلی و بهینه ای که مدنظر سیاستگذاران و انتظارات آنان است فاصله زیادی بگیرد.

عسگری بر ضرورت ارتباطی بین عملکرد متغیرهای اقتصادی و برنامه های اقتصادی که در اسناد بالادستی برای هر بلوک در نظر گرفته شده است تاکید کرد و گفت: همه این موارد با استفاده از الگوهای اقتصادی و تجزیه و تحلیل اثرات سیاست های اقتصادی قابل حصول خواهد بود.

وی با اشاره به انواع سیاست های اقتصادی در مکاتب مختلف و نتایج سیاست های پولی و ارزی در بخش صنعت ایران که مستخرج از طرح کلان سنجی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی است افزود: جهان در دو دهه اخیر در حوزه های اقتصادی و





کاهش نرخ ارز سیاستی برای کنترل واردات است اما کشتش های واردات به نرخ ارز مؤثر معمولاً از یک کوچکتر است، بنابراین دفاع از تراز پرداختها، وقتی تعرفه‌ها در نهایت منجر به کاهش واردات می‌شوند مشکل‌تر است و بهتر است به جای سیاست افزایش تعرفه، بیشتر سیاست‌های تشویق صادرات برای حفظ تعادل تراز پرداختها دنبال شود

وی با بیان اینکه کاهش نرخ ارز سیاستی برای کنترل واردات است افزود: اما کشتش های واردات به نرخ ارز مؤثر معمولاً از یک کوچکتر است، بنابراین دفاع از تراز پرداختها، وقتی تعرفه‌ها در نهایت منجر به کاهش واردات می‌شوند مشکل‌تر است و بهتر است بیشتر سیاست‌های تشویق صادرات برای حفظ تعادل تراز پرداختها دنبال شود (در بلندمدت) تا سیاست افزایش تعرفه.

وی بیان کرد: جایگاه مهم کالاهای صنعتی در تجارت جهانی نشان دهنده این مسئله مهم است که اگر ایران خواهان رشد سریع صادرات است باید به صادرات کالاهای صنعتی روی آورد و برای افزایش قدرت رقابت خود در بازارهای جهانی باید به استانداردهای جهانی و تولید در مقیاس انبوه توجه خاص داشت باشد

✱هر تلاطم ارزی، نااطمینانی و عدم قطعیت در تولید و عملکرد اقتصاد را در پی دارد

در ادامه دکتر حجت ایزدخواستی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی به بررسی آسیب شناسی اهداف برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی پرداخت و بر متناسب شدن اهداف تعیین شده در برنامه‌های توسعه با ظرفیت‌های کشور و کارشناسی بودن تاکید کرد که از منظر سیاستگذاری در سطح کلان ممکن است منجر تحقق اهداف برنامه‌های توسعه شود.

وی اظهار کرد: با این وجود، کشور در مسیر دستیابی به این اهداف نیز حرکت نکرده و اختلاف آماری متغیرهای اقتصادی هدف گذاری شده با آنچه به وقوع پیوسته بسیار قابل تأمل است.

ایزدخواستی با اشاره به ناسازگاری‌های سیاستگذاری در سطح کلان که خود در سه طیف قابل طبقه‌بندی شده است گفت: باید در تدوین برنامه هفتم توسعه به ناسازگاری ابزارها با اهداف اقتصادی در اسناد بالادستی، ناسازگاری در سیاستگذاری دولت (سیاست‌های پولی، ارزی و تجاری) و پیامدهای ناسازگاری‌ها در سیاست گذاری در بخش صنعت بسیار توجه کرد

وی استفاده از سیاست‌های پولی برای تأمین کسری بودجه و ایجاد اشتغال به جای کنترل تورم توسط بانک مرکزی؛ استفاده از منابع و تسهیلات نظام بانکی برای اجرای تبصره‌های تکلیفی دولت به جای نهاد تأمین مالی بخش تولید؛ تعیین قیمت‌های دستوری با هدف کنترل تورم و در نتیجه اختلال در روند تخصیص منابع؛ سرکوب نرخ ارز با هدف کنترل تورم و در نتیجه افزایش واردات و تضعیف تولید داخلی به جای افزایش رقابت پذیری تولید داخلی؛ توزیع یارانه‌های فراگیر با هدف بهبود توزیع درآمد در نبود نظام تأمین اجتماعی کارآمد و استفاده از خصوصی سازی برای هدف بازتوزیع درآمد و یا رد دیون و تأمین کسری بودجه را از جمله موارد ناسازگاری ابزارها با اهداف اقتصادی در اسناد بالادستی عنوان کرد.

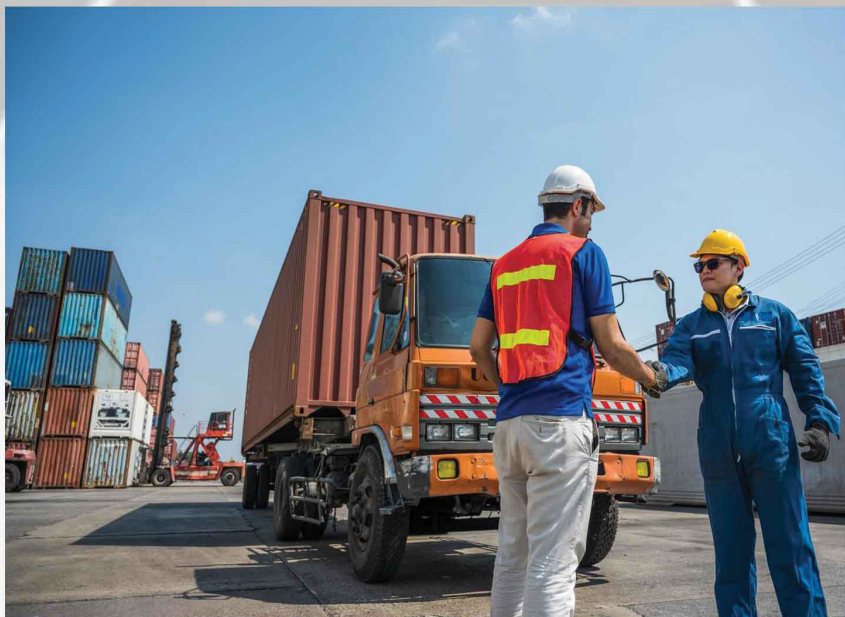
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به ناسازگاری‌های سیاستگذاری دولت (سیاست‌های پولی، ارزی و تجاری) گفت: ناسازگاری سیاست‌های پولی و ارزی در شرایط بالا بودن میزان رشد نقدینگی و نرخ‌های تورم بالا سبب تعویق انداختن بحران‌های ارزی و تلاطم ارزی می‌شود.

وی تصریح کرد: نتایج شبیه‌سازی سیاست پولی (افزایش حجم نقدینگی به میزان ۹ درصد در هر فصل) بر ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی به تفکیک کدهای چهاررقمی ISIC نشان می‌دهد که بیشترین افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های منتخب بخش صنعت مربوط به تولید مواد شیمیایی اساسی در حدود ۵۰/۳ درصد بوده است؛ کمترین افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های منتخب بخش صنعت مربوط به تولید ماشین آلات متالوژی - ذوب فلزات در حدود ۳۸/۰ درصد بوده است؛ تولید مواد شیمیایی اساسی ۵/۳ درصد؛ ساخت تجهیزات اندازه‌گیری، آزمون، راهبری و کنترل ۸۹/۲ درصد؛ آماده‌سازی و ریستدگی الیاف نساجی ۸۹/۲ درصد؛ تولید داروها و فرآورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی ۲/۷۳ درصد؛ تولید قطعات و لوازم الحاقی وسایل نقلیه موتوری ۹/۲ درصد؛ تولید خمیر کاغذ، کاغذ و مقوا ۶۳/۱ درصد؛ تولید سایر پمپ‌ها، کمپرسورها، شیرها و سوپاپ‌ها ۸۲/۰ درصد و تولید ماشین‌آلات متالوژی - ذوب فلزات ۳۸/۰ درصد افزایش یافته است.

عسگری تصریح کرد: همچنین نتایج شبیه‌سازی سیاست ارزی (افزایش نرخ ارز به میزان ۱۰ درصد در هر فصل) بر ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی به تفکیک کدهای چهاررقمی ISIC نشان می‌دهد که بیشترین افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های منتخب بخش صنعت مربوط به فعالیت "تولید ماشین آلات برای تولید منسوجات و البسه وچرم" در حدود (۷/۱۲ درصد) بوده و کمترین افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های منتخب بخش صنعت مربوط به فعالیت "تولید فرآورده‌های پلاستیکی - به جز کفش" در حدود (۱۸/۱ درصد) بوده است. وی تصریح کرد: نتایج شبیه‌سازی سیاست پولی (افزایش حجم نقدینگی به میزان ۹ درصد در هر فصل) بر ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی به تفکیک کدهای چهاررقمی ISIC نشان می‌دهد که بیشترین افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های منتخب بخش صنعت مربوط به تولید مواد شیمیایی اساسی در حدود ۵۰/۳ درصد بوده است؛ کمترین افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های منتخب بخش صنعت مربوط به تولید ماشین آلات متالوژی - ذوب فلزات در حدود ۳۸/۰ درصد بوده است؛ تولید مواد شیمیایی اساسی ۵/۳ درصد؛ ساخت تجهیزات اندازه‌گیری، آزمون، راهبری و کنترل ۸۹/۲ درصد؛ آماده‌سازی و ریستدگی الیاف نساجی ۸۹/۲ درصد؛ تولید داروها و فرآورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی ۲/۷۳ درصد؛ تولید قطعات و لوازم الحاقی وسایل نقلیه موتوری ۹/۲ درصد؛ تولید خمیر کاغذ، کاغذ و مقوا ۶۳/۱ درصد؛ تولید سایر پمپ‌ها، کمپرسورها، شیرها و سوپاپ‌ها ۸۲/۰ درصد و تولید ماشین‌آلات متالوژی - ذوب فلزات ۳۸/۰ درصد افزایش یافته است.

عسگری تصریح کرد: همچنین نتایج شبیه‌سازی سیاست ارزی (افزایش نرخ ارز به میزان ۱۰ درصد در هر فصل) بر ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی به تفکیک کدهای چهاررقمی ISIC نشان می‌دهد که بیشترین افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های منتخب بخش صنعت مربوط به فعالیت "تولید ماشین آلات برای تولید منسوجات و البسه وچرم" در حدود (۷/۱۲ درصد) بوده و کمترین افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های منتخب بخش صنعت مربوط به فعالیت "تولید فرآورده‌های پلاستیکی - به جز کفش" در حدود (۱۸/۱ درصد) بوده است. وی ادامه داد: همچنین تولید ماشین آلات برای تولید منسوجات و البسه وچرم (۱۲/۷ درصد)؛ تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی - بجز روغن ذرت (۷۳/۴ درصد)؛ تولید باتری و انباره (۹۳/۳ درصد)؛ تولید خمیر کاغذ، کاغذ و مقوا (۷۸/۳ درصد)؛ تولید موتور سیکلت (۹۹/۲ درصد)؛ تولید وسایل نقلیه موتوری (۶۸/۲ درصد)؛ آماده‌سازی و ریستدگی الیاف نساجی (۱۸/۲ درصد) و تولید فرآورده‌های پلاستیکی - به جز کفش در حدود (۱۸/۱ درصد) گزارش شده است.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی بر تنوع‌گرایی صادراتی و افزایش دامنه محصولات صنعتی در ترکیب کالاهای صادراتی، سیاست‌های نرخ بهره مساعدتر همراه با کاهش هزینه‌های سربار تولید و انتقال هزینه‌های حمایت غیر مستمزدی از کارگران تا سرحد امکان به خارج از بنگاه‌ها و اصلاح بازار کار و قوانین تأمین اجتماعی و کاهش نرخ تورم که منجر به افزایش سهم دستمزد در صنایع می‌شود تاکید کرد.





از جهت تقاضا با تغییر نرخ ارز عواملی مثل صادرات، واردات، تراز تجاری، تولید و اشتغال تأثیر می پذیرد. از جهت عرضه نیز تغییر نرخ ارز بر مواد اولیه، فشارهای وارد بر تولیدکنندگان باعث کاهش تولید می شود. از طرفی، جهش در نرخ ارز حقیقی فرصت مناسبی برای افزایش تولید و صادرات بوده است که در کشور ما این امر سبب افزایش تولید و اشتغال و صادرات نشده است چراکه صنایع کشور، صادرات محور نیستند.

مبادلات و نرخ بازار، ۹۶-۱۳۹۲ شناور مدیریت شده با نوسان محدود، ۱۳۹۶-۱۴۰۰ رژیم ارزی چندگانه (نرخ ارز ترجیحی، نیمایی، نرخ ارز بازار آزاد) برقرار بوده است.

وی تصریح کرد: شواهد نشان می دهد که با خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۸، اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر نرخ ارز، تخلیه شده است. در ابتدای سال ۱۴۰۱ نیز نظام شناور ارزی مدیریت شده، حذف ارز ترجیحی، کاهش سهم بازار آزاد در اقتصاد و تلاش در جهت تعادل عرضه و تقاضا تا حدودی اجرایی شده است. با این وجود روند نرخ ارز بازار آزاد از فروردین سال ۱۳۹۶ تا اردیبهشت سال ۱۴۰۱ حدود ۶۰۰ درصد رشد داشته است.

عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به تأثیر نرخ ارز از دو جهت عرضه و تقاضا بر بخش صنعت افزود: از جهت تقاضا با تغییر نرخ ارز، صادرات، واردات، تراز تجاری، تولید و اشتغال تأثیر می پذیرد. از جهت عرضه نیز تغییر نرخ ارز بر مواد اولیه، فشارهای وارد بر تولیدکنندگان باعث کاهش تولید می شود. از طرفی، جهش در نرخ ارز حقیقی فرصت مناسبی برای افزایش تولید و صادرات بوده است که در کشور ما این امر سبب افزایش تولید و اشتغال نشده است چراکه صنایع کشور، صادرات محور نیستند. از طرفی، سرمایه گذاری نیز در سال های اخیر رشد منفی داشته و براین اساس ظرفیت تولید نیز مهیا نبوده است تا افزایش تولید و صادرات مهیا باشد.

وی بر برقراری نظام ارزی ثابت در ایران و بروز جهش های ارزی و بحران های پولی، کاهش نرخ ارز حقیقی تا سال ۱۳۹۶ و افزایش آن بعد از سال ۱۳۹۷، حرکت همسو و هماهنگ نرخ ارز اسمی با نرخ ارز تعدیل شده براساس تفاوت تورم داخلی و خارجی، ثبات شاخص تولید کارگاه های بزرگ صنعتی در دهه اخیر و بهبود تراز تجاری به دلیل کاهش شدید واردات و افزایش ملایم صادرات تأکید کرد.

یزدانی با بیان اینکه نوسانات نرخ ارز سبب افزایش اثر تحریم ها می شود گفت: همچنین به دلیل وقوع تحریم ها زبان صادراتی بر کشور تحمیل شده است که میزان آن در دوره ۲۰۱۲-۱۸ حدود ۵۲ میلیارد دلار بوده است. نکته مهم آن است که مهمترین متغیر جهت کاهش و یا کنترل زبان صادراتی ظرفیت تولیدی و نرخ ارز حقیقی است.

وی چرخش سیاست های بخش خارجی کشور در جهت رفع تحریم ها، تعدیل نرخ ارز متناسب با تفاضل تورم داخلی و خارجی جهت جلوگیری از وقوع جهش های ارزی، تعیین نرخ ارز براساس ملاحظات تجارت خارجی و نه بودجه ای، حرکت به سمت یکسان سازی نرخ ارز در شرایط ثبات اقتصاد کلان، گسترش ظرفیت تولیدی به منظور رفع محدودیت عرضه صادرات، جلوگیری از نوسانات نرخ ارز، تأمین مالی سرمایه در گردش بنگاه ها و اعطای کمک های دولتی در جهت گسترش صادرات را از عمده ترین راهکارهای سیاستی برای کشور دانست.

وی ادامه داد: بررسی روند تحولات متغیرهای پولی و ارزی در ایران در سال های قبل از تلاطم ارزی (۱۳۸۴-۸۹) و (۱۳۹۲-۹۶) بیانگر آن است که علی رغم رشد نقدینگی ۲۸ درصد اما نرخ ارز از ثبات نسبی برخوردار بوده (به جهت مدیریت نرخ ارز شناور با نوسان ۱۰٪) و تغییر چندانی را تجربه نکرده و رشد اقتصادی نیز کمتر از ۲ درصد بوده است. این مسائل سبب شده است که بحران های ارزی رخ دهد که سبب رشد بسیار بالای نقدینگی و تورم شده است. چرا که نرخ ارز به عنوان لنگرگاه تورم است و با یک نوسان و وقفه کوچک، منجر به تورم می شود و اگر جلوگیری از تلاطم ارزی مقدور نشود اثرات فاحش آن بر تورم را نیز نمی توان کنترل کرد.

وی درخصوص پیامدهای ناسازگاری سیاستگذاری در بخش صنعت اظهار کرد: هر تلاطم ارزی، نااطمینانی و عدم قطعیت در تولید و عملکرد اقتصاد را در پی دارد. در نتیجه شوک های ارزی به وقوع پیوسته، سهم بخش صنعت و معدن از GDP از ۲۵ درصد در سال های اخیر به کمتر از ۱۵ درصد رسیده است. رشد بخش صنعت و معدن در ایران تحت تأثیر تحریم و تلاطم های ارزی در سال ۲۰۱۸ به منفی ۶/۹ درصد و در سال ۲۰۱۹ به حدود منفی ۸/۱۹ درصد رسیده است.

ایزدخواستی ادامه داد: در مجموع بین ابزارها، اهداف و سیاست ها ناسازگاری وجود دارد و با وجودیکه متولیان بخش های مختلف، متفاوت هستند اما باید همگی در یک راستا و هماهنگ با هم باشند و باید عدم تعادل بین نظام بانکی و بی انضباطی دولت حل شود.

❖ تشکیل شورای ثبات مالی برای حل مشکلات اقتصادی

در ادامه دکتر مهدی یزدانی عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی رویکرد کلی سیاست های بانک مرکزی را تلاش در کنترل انتظارات تورمی و عوامل عرضه، اصلاح رابطه دولت با بانک مرکزی (اصلاح تنخواه خزانه و تکالیف بودجه ای)، اصلاح رابطه بانک ها با بانک مرکزی (اصلاح ترازنامه، اصلاح دارایی های بانک ها، استفاده از بازار بین بانکی برای تأمین نقدینگی مورد نیاز به جای اضافه برداشت از بانک مرکزی) عنوان و بر تشکیل شورای ثبات مالی (مدیریت هزینه های دولت با شرط عدم بسط پایه پولی، تعمیق بازار سرمایه و تعمیق بازار بدهی) در شرایط کنونی که منجر به تحقق اهداف مطرح شده خواهد شد تأکید کرد.

وی ضمن بررسی نقش سیاست های ارزی در کشور در شرایط تحریم گفت: تغییرات نرخ ارز، تأثیرات گسترده ای بر صادرات، واردات، رقابت پذیری و تورم داخلی دارد و به تبع آن، مدیریت بازار ارز، موضوع کلیدی هر اقتصادی است و نقش سیاستگذار در تعیین نرخ ارز بسیار حائز اهمیت است.

یزدانی ادامه داد: تاریخچه ای از انواع نظام های ارزی به گونه ای است که در سال ۱۳۸۰ اجرای یکسان سازی نرخ ارز، در سال های ۱۳۸۰-۸۳ نظام ارزی ثابت با نوسان ۱۰ درصد (شناور مدیریت شده)، ۱۳۸۴-۹۰ نظام ارزی ثابت با نوسان ۱۰ درصد (شناور مدیریت شده)، ۱۳۹۰-۹۱ رژیم ارزی چندگانه (نرخ ارز اتاق

در نتیجه شوک های ارزی به وقوع پیوسته، سهم بخش صنعت و معدن از GDP از ۲۵ درصد در سال های اخیر به کمتر از ۱۵ درصد رسیده است. رشد بخش صنعت و معدن در ایران تحت تأثیر تحریم و تلاطم های ارزی در سال ۲۰۱۸ به منفی ۶/۹ درصد و در سال ۲۰۱۹ به حدود منفی ۸/۱۹ درصد رسیده است.





عکس نوشت:

ایجاد صف های طویل مقابل صرافی ها برای دریافت ارز سهمیه ای با کارت ملی، از تصاویر قابل توجه این روزهاست که با مخالفت و موافقت برخی اقتصاد دانان مواجه شده است

پیشنهادی برای میرایی شوک تورمی پایان سال

امید وکیل زاده و امیررضا سوری (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

مجموعه شرایط محیطی ناشی از تحریم ها و اتفاقات ماه های اخیر منجر به افزایش ۵۷ درصدی نرخ دلار طی یک سال اخیر شده است به طوریکه نرخ دلار که از متغیرهای کلیدی و لنگر اسمی اقتصاد ایران می باشد در مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ به رقم ۴۴ هزار تومان افزایش یافته است.

از طرفی علی رغم افزایش حجم تجارت در ۱۰ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل، تراز تجاری همچنان منفی است و با توجه به افزایش تقاضا برای ارز در ماه های پایانی سال و تداوم فضای نااطمینانی، تعدیل نرخ ارز در سال ۱۴۰۱ متصور نیست. در سال ۱۴۰۲ نیز با توجه به افزایش رشد نقدینگی و خروج آن از دامنه بلندمدت و بیم کسری گسترده بودجه، انتظار تداوم روند صعودی نرخ ارز و به تبع آن تورم وجود دارد.

از سوی دیگر، کسری بودجه و اولویت هزینه های جاری، منجر به کاهش روند پرداخت های عمرانی و کاهش سرمایه گذاری در ساختمان و ماشین آلات و کاهش رشد تشکیل سرمایه می شود. این در حالی است که نرخ استهلاک از نرخ تشکیل سرمایه پیشی گرفته و روند مستهلک شدن دارایی ها بیش از میزان سرمایه گذاری در ایجاد یا توسعه دارایی های جدید است.

تداوم شوک های وارده به اقتصاد و افزایش نرخ ارز موجب افزایش قیمت نهاده های وارداتی و محصولات پایه ای خواهد شد که این امر هزینه های تولید و قیمت تمام شده کالاها را افزایش خواهد داد و با توجه به عدم توانایی دولت به جبران خدمات کارمندان و یارانه بگیران به قیمت حقیقی، تقاضای بخش خصوصی کاهش و تقاضای کالاهای بادوام و سرمایه ای افت خواهد کرد.

با توجه به مطالب فوق پیشنهاد می شود دولت در انتهای سال ۱۴۰۱ پرداخت های خود به کارمندان و پیمانکاران را به یکباره انجام دهد بدین معنی که نقدینگی در یک یا دو مرحله به اقتصاد تزریق شود. این امر موجب خواهد شد شوک تورمی ایجاد شده بعد از چهار ماه میرا شود هر چند بکارگیری مکرر این ابزار موجب تعدد شوک های وارده به اقتصاد و جابه جایی کانال تورم به سمت بالا خواهد شد.

در شرایطی که وضعیت اقتصادی برای سال آینده نیز به همین منوال ادامه پیدا کند به منظور جلوگیری از فشار بیشتر به اقشار آسیب پذیر و تامین امنیت غذایی آنها، بهتر است در اسرع وقت کالابرگ های الکترونیکی کالاهای اساسی توزیع شود. هر چند این امر راهکاری کوتاه مدت بوده و در بلندمدت باید تمهیداتی پیش بینی شود که شرایط با ثباتی برای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی فراهم شود.

آسیب پذیری بنگاه ها از نوسانات ارزی

صندوق توسعه ملی چه کند؟

دکتر سعیده هوشمند استاد یار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

توضیح اجمالی:

استفاده از تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی از جمله راه های کلیدی تامین مالی پروژه های تولیدی است که البته الزام بازپرداخت وام های دریافتی به ارز، آسیب پذیری تولیدکنندگان و سرمایه گذاران از نوسانات ارزی را افزایش داده است. بررسی سابقه موضوع نشان می دهد نوسانات شدید نرخ ارز منجر به افزایش هزینه تامین مالی بنگاه های تولیدی شده و بیم عدم توانایی آن ها در بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی را افزایش داده که در نتیجه آن ریسک نکول منابع صندوق را در پی خواهد داشت.

نمونه بارز این امر را می توان در تسهیلات ارزی حساب ذخیره ارزی، تسهیلات ارزی موضوع جزء (د) بند (۶) قانون بودجه سال ۱۳۸۸ و صندوق توسعه ملی مشاهده کرد. به عنوان مثال ریالی کردن بازپرداخت تسهیلات حساب ذخیره ارزی منجر شد از اهداف اصلی آن فاصله گرفته شود، موضوعی که صندوق را نیز تهدید می کند.

گفتنی است طرح های اقتصادی که تسهیلات ارزی دریافت کرده اند را به چند دسته می توان تقسیم بندی کرد:

- ۱_ طرح های اقتصادی دارای درآمد ارزی (فاقد محدودیت های قیمت گذاری و منع صادرات).
- ۲_ طرح های اقتصادی فاقد درآمد ارزی (بدون محدودیت قیمت گذاری کالا و خدمات).
- ۳_ تسهیلات گیرندگانی که منابع ارزی مورد نیاز آن ها جهت بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات دریافتی از صندوق توسعه ملی، توسط دولت تضمین شده است.
- ۴_ تسهیلات گیرندگانی که کالاها و خدمات تولیدی آنها مشمول قیمت گذاری یا منع صادرات شده است.
- ۵_ طرح های اقتصادی که بخشی از کالاها و خدمات تولیدی آن ها مشمول قیمت گذاری یا منع صادرات بوده و بخش دیگر فاقد ممنوعیت های اخیرالذکر می باشد.

نکات کلیدی:

تداوم تسهیلات دهی صندوق توسعه ملی با رویکردهای پیشین منجر به بروز چالش های فوق الذکر خواهد شد که در صورت تداوم آن اهداف صندوق محقق نخواهد شد.

لذا نیاز است رویکرد جدیدی برای سرمایه گذاری منابع صندوق با چارچوب های پیشنهادی زیر مد نظر قرار گیرد:

- ۱_ امکان سرمایه گذاری صندوق توسعه ملی (در کنار اعطای تسهیلات): صندوق باید مانند بسیاری از کشورهای با تجارب موفق در راهبری صندوق های ثروت، قادر به سرمایه گذاری در طرح های مختلف با بازدهی بالا باشد و از این طریق از اصل و فرع منابع حفاظت نماید.
- ۲_ سرمایه گذاری از سود منابع صندوق: حفظ منابع صندوق از اولویت های نظام اقتصادی است و نباید به آن به عنوان منابع تامین مالی بودجه جاری و عمرانی و یا کمک به بورس و تامین اجتماعی نگریسته شود. لذا منابع صندوق باید صرفا در راستای سرمایه گذاری و افزایش سود صندوق کارسازی شود و تنها از سود منابع صندوق (و نه اصل آن) برای توسعه پروژه های اقتصادی و تحقق رشد برنامه های اقتصادی استفاده گردد.

شناسنامه نشریه

مدیر مسئول: دکتر احمد تشکینی
تحریریه و تأمین محتوا: دکتر علیرضا گرشاسبی و فائزه کیایی
گرافیک و صفحه آرا: ماهورا موسوی

شرکت چاپ و نشر بازرگانی

www.cppe.ir / takbab.com

شرکت چاپ و نشر بازرگانی از مراکز تابعه موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی می باشد که قریب به ۲۷ سال در حوزه انتشارات و فعالیت های حرفه ای پیش از چاپ، چاپ و پس از چاپ فعالیت می نماید.
این شرکت توانسته با اتکا به مزیت های ویژه، خود را در عرصه نشر تخصصی بازرگانی در زمره ناشرین ممتاز در سطح ملی مطرح نماید.

ناشر تخصصی در حوزه های

بازرگانی و گمرک

اینکوترمز / حقوق بین الملل / امور گمرکی و ترخیص کالا / مذاکرات تجاری بین المللی /
تامین مالی بین المللی / مباحث حقوقی مرتبط با قراردادهای داخلی و بین المللی / قانون تجارت

پول، ارز و بانکداری

بیت کوین و ارزهای دیجیتال / ارز و اقتصاد ایران / ارزیابی اقتصادی طرح ها و پروژه ها /
مبانی و اصول بانکداری مدرن / روش های پرداخت بین المللی بین بانکی

بازاریابی و فروش

دیجیتال مارکتینگ و تجارت الکترونیک / نمایشگاه ها با رویکرد توسعه کسب و کار / مدیریت فروشگاه های زنجیره ای /
تکنیک های مالی فروش / روانشناسی مهارت فروش / بازاریابی و فروش خدمات / مدیریت برند و برندینگ /
بازاریابی بین الملل / تبلیغات مدرن

بورس و اقتصاد مالی

مفاهیم اولیه کاربردی و شیوه معاملات در بورس / سرمایه گذاری در بازار سهام / بورس جهانی و منطقه ای /
مدیریت ریسک / حسابداری مالیاتی / مدیریت مالی برای مدیران غیر مالی / حسابداری صنعتی

تجارت بین الملل

اصول و مبانی تجارت بین الملل / زنجیره ارزش جهانی / راهنمای صادرات به کشورها /
راهنمای کاربردی صادرات به تفکیک کالا / مدیریت واردات و قاچاق کالا و ارز / رقابت پذیری

لجستیک و زنجیره تأمین

لجستیک معکوس / مدیریت زنجیره تامین SCM / مهندسی انبار و کنترل موجودی /
شرکای پایه سوم لجستیکی (3PL) / نگهداری و تعمیرات

مدیریت منابع انسانی و سازمان

تعالی سازمانی / کارآمدی منابع انسانی / قوانین کار و تامین اجتماعی / برنامه ریزی نیروی انسانی /
نظام انگیزشی / مدیریت رفتار سازمانی / سیستم های اطلاعات مدیریت / مدیریت استراتژیک
هلدینگ ها / تجربیات مدیریتی سازمان های موفق

تجربیات کشورها و الگوی توسعه

مدل های تجربه ی کشورهای در حال توسعه و پیشرو / الگوهای توسعه در صنایع دارای مزیت /
سیاست های صنعتی و تجربه موفقیت کشورها / تجربه ارتقاء صنعتی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه موفق /
تجارب موفق صادراتی کشورها